

# روش و تجربه چین در بررسی ظرفیتها و منابع اقتصادی آسیای مرکزی

محمدجواد امیدوارنیا<sup>۱</sup>

جمهوری اسلامی ایران و چین در موقعیتی بسیار مهم و در عین حال، تا حدودی مشابه، در دو سوی آسیای مرکزی قرار دارند. مرزهای طولانی هر دو کشور با منطقه، (چین ۳۳۰۰ کیلومتر و جمهوری اسلامی ایران حدود ۲۰۰۰ کیلومتر)، راه آهن معروف به «پل دوم آسیا-اروپا» بین چین و آسیای مرکزی و خط آهن در حال اتصال ایران و منطقه، جاده‌های آسفالت بین چین و قزاقستان، از جمله در نقطه «آلاتاو»<sup>۲</sup> و «هورگوس»<sup>۳</sup> و راههای زمینی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان در نقاط باجگیران و لطف آباد و سرخس، امکانات هر دو کشور برای مرتبط ساختن آسیای مرکزی به آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام، وجود اقوامی مشترک در هر دو سوی مرزها، (قزاقها، تاجیکها، ازبکها و اویغورها در مورد چین و آسیای مرکزی و ترکمنی‌ها و آذری‌ها و فارسها و غیره در مورد ایران و منطقه)، از جمله این نکات مشابه است که عواملی مؤثر برای تفاهم، همکاری اقتصادی، دستیابی به شکوفایی و رفاه مشترک و حفظ و تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای به‌شمار می‌رود.

چنین موقعیتی برای هیچ‌یک از دیگر کشورهای همسایه منطقه وجود ندارد. روسیه با مشکلات خاص خود روبه‌رو است، دسترسی به آبهای گرم ندارد و افزون بر این، همانگونه که اخیراً در مورد صدور نفت کشورهای آسیای مرکزی از لوله نفت اروپایی آن کشور مشاهده شد، هر آن ممکن است آنها را با محدودیتهایی سرنوشت‌ساز، روبه‌رو کند. در سوی جنوب نیز وجود کوهستانهای بلند «تی‌ین‌شن»<sup>۴</sup> و «قراقروروم»<sup>۵</sup>، مانع ارتباط منظم آسیای مرکزی با بعضی از سرزمینهای هند و پاکستان می‌باشد. در مناطق هم‌مرز با افغانستان هم اگرچه شرایط طبیعی بهتری برای ادامه راههای زمینی به سوی اقیانوس هند (بندر کراچی) وجود دارد، اما اوضاع سیاسی اجازه چنین پیشرفتی را نمی‌دهد و تضمینی برای تکرار بحرانهای مشابه در آینده، دردست نیست. بنابراین، بخش عمده‌ای از تجارب دو کشور ایران و چین می‌تواند برای دیگری

۱. آقای محمدجواد امیدوارنیا از پژوهشگران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و عضو هیأت تحریریه مجله مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز است. ۲. Alataw، در دره ایللی

۳. Horgos در جنوب آلاتاو

قابل بررسی و آموزنده باشد و در اتخاذ سیاستهای صحیح مورد استفاده قرار گیرد. بر این مبناست که در مقاله حاضر تلاش خواهد شد تا دلایل توجه چین به آسیای مرکزی و روشی که از اواخر دهه ۱۹۸۰ تاکنون برای توسعه روابط اقتصادی با منطقه به کار برده است و نتایج آن، به طور خلاصه تشریح گردد.

### توجه چین به آسیای مرکزی به عنوان گذرگاهی استراتژیک

چینیان از روزگاران کهن، برای «سرزمینهای غربی»<sup>۱</sup>، هم از نظر امنیت، و هم از دیدگاه اقتصادی، اهمیت بسیار قائل بودند. تاریخ نشان می‌دهد که رهبران چین از چندین قرن پیش از میلاد مسیح به این سرزمینها توجه داشته‌اند. اعزام «جانگ چی یین»<sup>۲</sup> سفیر «وو دی»<sup>۳</sup> امپراتور سلسله «هان»<sup>۴</sup>، دوبار در سالهای ۱۳۹ و ۱۱۹ پیش از میلاد، به سوی سرزمینهای غربی، حاکی از این امر است. آسیای مرکزی از سه نقطه نظر برای چینیان، مهم بود:

۱. برای سالیان دراز، اقوام «شیون نو»<sup>۵</sup> از سرزمین شمال غربی، به چین حمله ور می‌شدند و «دیوار چین» برای مقابله با آنها بنا شده بود؛ یکی از اهداف سفر جانگ چی یین اندیشیدن تدبیری در برابر این تهدید امنیتی بود.

۲. به طوری که در تاریخ آمده است، سفر جانگ چی یین به گشوده شدن جاده ابریشم، به عنوان یک خط ارتباطی مهم بین شرق و غرب جهان، انجامید.

۳. در سده‌های بعد، عامل دیگری نیز بر اهمیت سرزمینهای غربی چین افزود و آن انتقال اندیشه‌های نو، از جمله ادیان زرتشتی، بودایی، مانوی، مسیحیت و اسلام، از طریق این مناطق، به چین بود.

در چند سال اخیر، با استقلال یافتن کشورهای آسیای مرکزی، موقعیت تاریخی این منطقه به عنوان پلی بین شرق و غرب آسیا، به آن بازگشته است. تا اواخر دهه ۱۹۸۰ در مرزهای چین و شوروی پیشین در آسیای مرکزی، وضعیت فوق‌العاده (جنگی) حکمفرما بود و چین از آن سوی به جهان خارج دسترسی نداشت. اما از اوایل دهه ۱۹۹۰، بویژه از ژانویه سال ۱۹۹۲، با برقراری روابط سیاسی در سطح سفارت، بین چین و کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، سراسر این مرزها به صورت دروازه‌ای برای صدور کالاهای چینی و دریافت کالاهای

۱. Xi Yu (شی یو)، تمام سرزمینهایی که در غرب و شمال غربی چین بود، از جمله سین کیانگ و آسیای مرکزی چین نامیده می‌شد.

2. Zhang Qian

3. Wu Di

4. Han

۵. Xiong Nu (که آنها را در اروپا «هونها» می‌نامیدند).

آسیای مرکزی، درآمده است. اکنون چینیان، بار دیگر، همانند بیش از ۲۰۰۰ سال پیش، به آسیای مرکزی به عنوان منطقه‌ای دربردارنده تهدیدهای امنیتی (متفاوت با دوران شوروی) از یکسو، و منافع اقتصادی از سوی دیگر، می‌نگرند و محاسبات تازه‌ای در نظر دارند. سخن درباره امنیت، مستلزم مقاله جداگانه‌ای است، اما از لحاظ اقتصادی، می‌توان روش و تجربه چین در زمینه منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی را به شرح ذیل، مورد بررسی قرار داد:

(الف) ارزیابی چین از موقعیت جدید اقتصادی در آسیای مرکزی؛

(ب) ارزیابی امکانات داخلی چین برای بهره‌برداری از موقعیت اقتصادی در آسیای مرکزی؛

(ج) ارزیابی نقش مناطق سین‌کیانگ در وضع اقتصادی آسیای مرکزی؛

(د) تدابیر چین برای بهره‌برداری از امکانات موجود.

### (الف) ارزیابی چین از موقعیت جدید اقتصادی در آسیای مرکزی

جمهوری خلق چین از اوایل دهه ۱۹۹۰، با توجه به دگرگونی‌های بین‌المللی و گفتگوهایی که راجع به جهان یک‌قطبی صورت می‌گرفت و اهمیت فزاینده آسیای مرکزی، به تقویت بخشهای مطالعاتی خود در این زمینه در دانشگاهها، آکادمی علوم اجتماعی چین و آکادمی‌های استانها و مؤسسات پژوهشی در پکن و استانهای شمال غربی پرداخت. در این بخشها، کنفرانسها و سمینارهای داخلی و بین‌المللی متعددی برگزار شد تا ارزیابی دقیق و کاربردی راجع به آسیای مرکزی فراهم آید و دستور کار لازم برای تعقیب سیاست منطقی و مناسب در آنجا تهیه گردد. یکی از مهمترین گردهمایی‌ها «کنفرانس بین‌المللی چین و آسیای مرکزی: همکاری و پیشرفت» بود که در اوت ۱۹۹۲ توسط «مؤسسه مطالعات روابط بین‌المللی معاصر چین»<sup>۱</sup> در پکن، تشکیل یافت. گردهمایی‌های دیگری نیز برای بررسی نقش آسیای مرکزی در مرتبط ساختن چین با خاورمیانه برپا شده که یکی از قابل توجه‌ترین آنها در ماه مه ۱۹۹۳ در «انجمن مطالعات تاریخی» دانشگاه شمال غربی چین در استان «شن‌شی»<sup>۲</sup> بوده است. از مجموع نظرات ارائه شده در این کنفرانسها و سمینارها و همچنین، مطالبی که در مجلات مؤسسه مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی آکادمی علوم اجتماعی چین و نشریات بخش مطالعات آسیای مرکزی آکادمی علوم اجتماعی «سین‌کیانگ»<sup>۳</sup> نگاشته شده است، می‌توان رئوس ارزیابی پژوهشگران چینی درباره وضع اقتصادی منطقه و منابع و ظرفیتهای آن را به شرح زیر بیان داشت:

1. Chinese Institute for Contemporary International Relations (CICIR)

2. Shaan Xi Province

3. Xinjiang Uighur Autonomous Region

آسیای مرکزی، همانند گذشته‌های دور، پلی بین چین و اروپا و غرب آسیا است و از نظر استراتژیک برای آن کشور اهمیت دارد. کشورهای آسیای مرکزی از نظر ذخایر زیرزمینی، بسیار غنی هستند. بیش از یک صدنوع مواد معدنی در آنجا یافت می‌شود که مهمترین آن نفت و گاز و ذغال سنگ است. در بیش از  $1/2$  میلیون کیلومترمربع آن، منابع نفت و گاز یافت می‌شود که برابر با ذخایر روسیه است.<sup>۱</sup> به همین دلیل برخی آن را «کویت دوم» می‌نامند. بعضی از تأسیسات زیربنایی در آسیای مرکزی در زمینه صنایع سنگین و علوم و فنون جدید، از جمله در بخش ذوب فلزات، پایگاه پرتاب ماهواره‌ها به فضا (در بایکانور در قزاقستان)، هواپیماسازی (در ازبکستان) وجود دارد که قابل توجه و بهره‌برداری است. از نظر کشاورزی نیز بویژه در زمینه تولید پنبه استعداد بسیار دارد و بعضی آنجا را «سرزمین طلای سفید» نامیده‌اند. ۷۵ درصد پنبه مرغوب، ۳۸ درصد گندم و ۳۳ درصد دام زنده شوروی پیشین، از این مناطق تأمین می‌شد. این منطقه دارای ۱۰۷،۵۰۰ نفر متخصص فنی است که ۲۹۰۰ نفر آنها در سطح استاد و ۳۶،۰۰۰ نفر در سطح استادیار و بقیه در سطوح پایین‌ترند.<sup>۲</sup>

مشکلات اصلی اقتصادی در آسیای مرکزی عبارت است از: در سطح کشورهای در حال توسعه بودن، اقتصاد تک‌محصولی، تکیه بر واردات کالاهای مصرفی، کمبود ارزهای مستحکم و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی، راه نداشتن به دریای آزاد، متکی بودن گذرگاههای زمینی آنها به همسایگان برای دسترسی به خارج، کهنه و فرسوده بودن سیستم حمل‌ونقل و لذا، گسندی آن، کمبود تسهیلات و مقررات بانکی لازم برای فعالیت در سطح بین‌المللی، مشکل مخابرات، کمبود اطلاعات فنی، نداشتن قوانین و مقررات مناسب برای بازرگانی خارجی، کمبود قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، خشک و غیرقابل انعطاف بودن مقررات صادرات و واردات، نداشتن مقررات بیمه و افراد آشنا به مسائل فنی حقوقی، نداشتن شناخت لازم از خارجیان و نحوه رفتار با آنها و وابسته بودن بیش از حد به روسیه.<sup>۳</sup>

کارشناسان چینی به عوامل غیراقتصادی مؤثر بر اقتصاد آسیای مرکزی نیز اشاره کرده و آنها را نظامهای اجتماعی و عقاید مختلف و اعتقادات قومی و دینی دانسته‌اند، که از آن جمله است «پان‌اسلامیسم» و «پان‌ترکیسم».<sup>۴</sup>

۱. جائو چون‌گوان (Zhao Qunguan)، سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی چین و آسیای مرکزی، اوت ۱۹۹۲، پکن. (به زبان چینی)

۲. جائو چانگ‌چینگ (Zhao Changching)، سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی چین و آسیای مرکزی، اوت ۱۹۹۲،

پکن. (به زبان چینی) ۳. جائو چون‌گوان، و «شودن» (Xu Dan)، همان کنفرانس.

۴. برای بررسی بیشتر ر.ک. به: جانگ لای‌بی (Zhang Laiyi)، «در باره رئوس سمینار راجع به اوضاع و تاریخ خاورمیانه،

آسیای مرکزی و چین»، مجله اروپای شرقی و آسیای مرکزی، آکادمی علوم اجتماعی چین، شماره ۵ (۱۹۹۳)،

ص ۸۳. (به زبان چینی)

## ب) ارزیابی چین از امکانات خود برای همکاری اقتصادی با آسیای مرکزی

دولت چین از اواسط دهه ۱۹۸۰، با توجه به دگرگونی‌هایی که در سیاست شوروی پدید آمده بود، به گسترش مناسبات اقتصادی با آسیای مرکزی پرداخت، اما کار اساسی از سال ۱۹۸۹ آغاز شد. دلایل این امر به شرح ذیل بود:

۱. مشکلاتی که در اواخر سال ۱۹۸۸ و اوایل ۱۹۸۹ در زمینه تأمین انرژی مورد تقاضا در چین بروز کرد و بعضی از خارجیان آن را «بحران انرژی در چین» خوانده‌اند، دولتمردان این کشور را به توسعه منابع نفت در سین‌کیانگ مصمم ساخت. میزان ذخایر نفت منطقه طبق برآورد چینیان ۷۴ میلیارد بشکه و براساس برآورد خارجیان، ۱۴ میلیارد بشکه است.<sup>۱</sup>

۲. جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ و مشکلاتی که در موارد مشابه برای تأمین نفت کشورهای صنعتی و تازه صنعتی شده شرق آسیا، متصور است، اهمیت منابع نفتی سین‌کیانگ را بیش از پیش آشکار کرد.

۳. با استقلال یافتن کشورهای آسیای مرکزی، لزوم توجه بیشتر به وضع اقتصادی مردم سین‌کیانگ و کاهش فاصله بین این منطقه نسبتاً فقیر، با سواحل جنوبی و شرقی چین که در سالهای اخیر در اثر موفقیت «سیاست دروازه‌های باز اقتصادی» به شکوفایی و ثروت بیشتر دست یافته‌اند، بیش از هر زمان احساس می‌شد.

۴. نیاز کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به دریافت کالاهای مصرفی، منطقه سین‌کیانگ را با مرزهای طولانی با منطقه و امکانات عرضه کالاهای مذکور، در موقعیتی مناسب، قرار داد.

۵. نکته مهم دیگر این بود، که اغلب رهبران کشورهای آسیای مرکزی، با توجه به سابقه عضویت در حزب کمونیست شوروی پیشین و آموزش یافتن در مسکو، به نظام «آمرانه - روشنگرانه»<sup>۲</sup> چین که با استفاده از روشهای بازار آزاد به دستاوردهای اقتصادی قابل ملاحظه‌ای دست یافته است، به دیده تحسین می‌نگریستند. به همین دلیل، بعضی از آنها، سین‌کیانگ را دروازه‌ای برای دریافت تجارب اقتصادی جدید و کالاهای مورد نیاز از چین، و همچنین، پلی برای کسب تکنولوژی پیشرفته از سواحل آسیایی اقیانوس آرام دانستند.

بنابراین، دولت چین از اوایل دهه ۱۹۹۰، طرحهای توسعه و پیشرفت اقتصادی سین‌کیانگ و گسترش روابط آن با کشورهای آسیای مرکزی را تسریع بخشید. بعضی از مهمترین

1. Gaye Christoffersen, «Xinjiang and the Great Islamic circle: The Impact of International Forces on Chinese Regional Economic planning», The China Quarterly, 1993, pp. 130-150.

2. Enlightened Authoritarianism

تصمیماتی که اتخاذ شد عبارت بود از اولویت دادن به عملیات اکتشاف نفت در سین کیانگ، اولویت قائل شدن برای مناطق محروم، از جمله سین کیانگ در هشتمین برنامه پنج ساله (۱۹۹۵-۱۹۹۱) و تضمین ۱۰ درصد افزایش سالانه بودجه این مناطق، و بالاخره، تشویق توسعه مناسبات اقتصادی بین سین کیانگ و آسیای مرکزی با استفاده از امکانات و ظرفیتهای منطقه و تسهیلاتی که بویژه از سال ۱۹۹۰ به بعد فراهم آمد.<sup>۱</sup>

### ج) ارزیابی نقش سین کیانگ و مناطق پیرامون

سین کیانگ منطقه‌ای است به وسعت بیش از ۱/۶۶ کیلومتر مربع و دارای ۵۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ۱۰ کشور، که ۳۳۰۰ کیلومتر آن با سه کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) است. در این منطقه ۲۲ نوع از ۱۴۷ نوع ماده معدنی که در سراسر چین وجود دارد، شناسایی شده است. صنایع سین کیانگ بر نفت، پتروشیمی، نساجی، مواد غذایی، مواد ساختمانی و کالاهای مصرفی روزمره مردم، بنیان دارد که در آسیای مرکزی مورد توجه است. تجاربی که در چند سال گذشته در زمینه اقتصاد بازار در سراسر چین، از جمله در سین کیانگ به دست آمده و راههای ارتباطی که این منطقه را با جنوب و شرق آسیا مرتبط می‌سازد، از عواملی است که سین کیانگ را برای کشورهای آسیای مرکزی، پُر جاذبه ساخته است. کارشناسان چینی در بررسی‌هایی که از سال ۱۹۹۰ به بعد به عمل آورده‌اند، برای سین کیانگ دو نقش اساسی در ارتباط با آسیای مرکزی در نظر گرفته‌اند. اول اینکه اقتصادهای دو سوی مرز، مکمل یکدیگر باشند و دیگر اینکه سین کیانگ گذرگاهی برای انتقال تکنولوژی پیشرفته از شرق به غرب و مرکز آسیا و انتقال مواد و کالا از غرب و مرکز آسیا به سوی شرق باشد. در عین حال، این کارشناسان معتقدند که سطح پیشرفت صنعتی سین کیانگ و پایینتر بودن آن از سطح کشاورزی، و همچنین زیاد بودن شمار بیسوادان و کم‌سوادان در بخش صنعت، رشد بیش از حد مجاز جمعیت، کم‌آبی منطقه (و اینکه بیشتر رودخانه‌های سین کیانگ در شنزارها فرو می‌روند) و مسائل اجتماعی و قومی و عقیدتی از نکاتی است که به عنوان عامل منفی، بر توان حضور فعال سین کیانگ در اقتصاد آسیای مرکزی تأثیر می‌گذارد.

مناطق پیرامون شمال غربی چین و آسیای مرکزی که می‌تواند به عنوان مکمل برای بهره‌برداری از ظرفیتهای اقتصادی منطقه به حساب آید عبارت است از مغولستان، روسیه، اروپا، خاورمیانه، بخشی از جنوب آسیا و خاور دور. به نظر کارشناسان چینی، این مناطق از لحاظ

۱. مرزهای چین و آسیای مرکزی از سال ۱۹۸۳ گشایش یافته بود اما مبادلات بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۹۰ ازدیاد پیدا کرد.

امکانات به سه گروه تقسیم می‌شوند: مغولستان و روسیه که هنوز از وضع اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند اما در درازمدت ممکن است به تعادل دست یابند. بخشی از جنوب آسیا (پاکستان و هند) که اگرچه زمینه‌های فرهنگی برای روابط اقتصادی با آسیای مرکزی دارد، اما فقدان راههای ارتباطی مناسب از امکانات آن می‌کاهد. شرق آسیا و خاورمیانه و اروپا با توجه به دسترسی به تکنولوژی، راههای ارتباط و سرمایه، بیشترین توان برای همکاری با آسیای مرکزی را در اختیار دارد.<sup>۱</sup>

### د) تدبیرهای دولت چین برای گسترش روابط اقتصادی با آسیای مرکزی

مهمترین سیاستهایی که دولت چین از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ برای گسترش امکانات منطقه شمال غربی خود و افزایش مناسبات اقتصادی و بازرگانی آن با آسیای مرکزی، در پیش گرفته به شرح زیر بوده است:

#### ۱. گشودن دروازه‌های سین‌کیانگ به روی آسیای مرکزی

براساس این سیاست، سه رشته کوههای «تی‌ین‌شن»، «قراقوروم» و «آلتایی»<sup>۲</sup> و فلاتهای بین آنها، یعنی «طارم»<sup>۳</sup>، «زونگار»<sup>۴</sup>، «تورفان»<sup>۵</sup> و «قایدام»<sup>۶</sup> به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی باز شده است. اطراف کوههای آلتایی به کشف و بهره‌برداری معادن، شمال کوههای تی‌ین‌شن به مجتمع‌های صنعتی و جنوب آن به نفت و پتروشیمی اختصاص یافته است. به منظور توسعه امکانات بازرگانی بین سین‌کیانگ و آسیای مرکزی، ۱۴ شهر را منطقه آزاد اعلام کرده و ۹ مرز ورودی را به روی ساکنان طرفین مرزها گشوده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که در چند سال گذشته، رفت و آمد بتدریج روبه افزایش بوده است. در سال ۱۹۸۹ بیش از ۴۰ هزار نفر، در سال ۱۹۹۲، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از آسیای مرکزی و ۳۰۰۰ گروه چند نفری از چین، و در سال ۱۹۹۴، بیش از چند صد هزار نفر، ثبت شده است. البته بسیاری از کسانی که از مرزها عبور کرده‌اند به قصد دیدار بستگان و یا مهاجرت به سرزمینهای دیگر (بوئزه در مورد چینیانی که به آسیای مرکزی رفته‌اند) بوده، اما به‌رحال شمار زیاد آنها در کارهای اقتصادی و بازرگانی، فعالیت داشته‌اند.

۱. برای نمونه‌هایی از این ارزیابی‌ها همراه با آمار و ارقام مفصل راجع به منابع و امکانات سین‌کیانگ در ارتباط با آسیای مرکزی، ر.ک. به: مجله اجتماعی، اقتصادی (آکادمی علوم اجتماعی سین‌کیانگ)، شماره ۴ (۱۹۹۲). (به زبان چینی)

2. Altai

3. Tarim Basin

4. Zungaria

5. Turpan

6. Ghaidam



## ۲. انعقاد موافقتنامه‌های اقتصادی و بازرگانی با آسیای مرکزی

اولین موافقتنامه برقراری و توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی بین چین و جمهوری‌های شوروی پیشین در آسیای مرکزی، در سال ۱۹۸۸ به امضا رسیده بود، اما استقلال این جمهوری‌ها، موجب ارتباط مستقیم دولت چین و منطقه خودمختار سین‌کیانگ با آنها شد و به انعقاد قراردادهای متعدد در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فنی، حمل‌ونقل و فرهنگی انجامید. در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ تعداد زیادی موافقتنامه امضا شد، اما مهمترین دوره را باید مربوط به سال ۱۹۹۴ دانست. از ۱۸ تا ۲۸ آوریل آن سال آقای «لی پنگ»<sup>۱</sup> نخست‌وزیر چین در سفری به قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان، با دولتمردان این کشورها گفتگوهای مفصلی برای توسعه روابط بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی به عمل آورد. در نتیجه این مذاکرات با ترکمنستان ۴ فقره، با ازبکستان ۴ فقره، با قرقیزستان ۵ فقره و با قزاقستان که در ارتباط اقتصادی با مناطق مرزی چین از جایگاهی ویژه برخوردار است، ۶ فقره موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی به امضا رسید. هیئت یکصدنفری بازرگانی همراه آقای لی پنگ نیز اسناد متعددی در زمینه مناسبات اقتصادی غیردولتی (بین شرکتهای چینی و شرکتهای کشورهای یادشده) به امضارساندند.

قراردادهای دولتی با ازبکستان شامل پرداخت وام و عرضه کالا از طرف چین، و برقراری پروازهای هواپیمایی کشوری بود و قراردادهای غیردولتی شامل ساختمان‌سازی، نفت، ذوب فلزات، بافندگی، کاغذسازی و کالاهای الکترونیک و هواپیماسازی (خرید هواپیماهای ایلوشین ساخت ازبکستان) می‌شد. قراردادهای با ترکمنستان شامل وام، مشورتهای منظم، عرضه کالاهای ساخت چین، و موافقتنامه‌های غیردولتی شامل احداث کارخانجات آجرسازی، آهن و فولاد، تولید آلومینیوم، سرامیک، الکتروود، لوازم الکترونیک، همچنین همکاری در زمینه‌های نفت و گاز و پنبه (لوله‌کشی نفت و گاز ترکمنستان به چین و ژاپن و فروش پنبه ترکمنستان به چین) بود. موافقتنامه‌های با قرقیزستان شامل اعطای وام از طرف چین، عرضه کالاهای ساخت چین و تشکیل کمیته مشترک بازرگانی بوده، هیئت همراه نیز قراردادهایی درباره بهره‌برداری از منابع فلزات کمیاب، از جمله طلا و احداث کارخانجات تولید مصالح ساختمانی به امضا رساند. موافقتنامه‌ها با قزاقستان در مورد ایجاد مناطق آزاد تجاری در منطقه، کشتیرانی در رودخانه «ایرتیش»<sup>۲</sup> و «ایلی»<sup>۳</sup> در مرز دو کشور، همکاری درباره نوسازی کارخانجات ذوب‌فلزات و خطوط راه‌آهن قزاقستان و تبادل نظر درباره مسیر ترانزیت جاده‌های قزاقستان به پاکستان بود.

1. Li Peng

2. Irtys

3. Ili



### ۳. تقویت تسهیلات مرزی

به منظور آنکه مرزهای چین با آسیای مرکزی پاسخگوی نیازها باشند، دولت چین در سالهای گذشته اقدامات مؤثری برای نوسازی تأسیسات مرزی و احداث ساختمانهای جدید، بویژه در «آلاتاو» و «هورگوس» (در مرز با قزاقستان) و در «تاشکورگان»<sup>۱</sup> (در مرز با پاکستان و نزدیک تاجیکستان)، به عمل آورده است. در این نقاط، هتل‌های بزرگ، فروشگاهها، رستورانها، پاسگاههای مرزی و ایستگاههای گمرکی و شعب بانک و غیره با کارمندان آموزش دیده و مناسب تأسیس یافته و در آلاتاو، یک فرودگاه بین‌المللی نیز در دست احداث می‌باشد. پیش‌بینی‌هایی که در گذرگاه اخیر صورت گرفته با توجه به عبور راه‌آهن چین به آسیای مرکزی و اروپا و غرب آسیا از آنجا، مفصل‌تر از نقاط دیگر است.

تأسیسات مرزی چین با آسیای مرکزی به سیستم مخابراتی منظمی نیز مجهز گردیده که طبق طرحهای در دست اجرا، تا دو سال آینده به ابزار پیشرفته‌تر و شبکه وسیعتر دست می‌یابد و به سهولت با اروپا مرتبط خواهد شد.

### ۴. بهبود وضع راههای ارتباطی با منطقه

چین ضمن توجه به مرمت و بهبود وضع جاده‌های اسفالت منتهی به نقاط مرزی با آسیای مرکزی، بزرگترین تلاش را بر متصل ساختن شبکه راه‌آهن خود به راه‌آهن منطقه متمرکز ساخته است. مهمترین کار در این زمینه بر جاده‌ای به نام «پل دوم آسیا-اروپا» صورت گرفته که سواحل اقیانوس آرام را به کرانه‌های اقیانوس اطلس مرتبط می‌کند. این خط راه‌آهن از بندری به نام «لیانگ‌یونگ‌آن» در کنار دریای شرقی چین آغاز گردیده به بندر «روت‌دام» در هلند، منتهی می‌شود. بخشی از این راه‌آهن از شهر «اورومچی» مرکز منطقه خودمختار سین‌کیانگ، تا «آلاتاو» در مرز قزاقستان، در دوران حیات شوروی سابق، بنابه دلایل سیاسی و نظامی، ناتمام مانده بود. از اواخر دهه ۱۹۸۰ کار تکمیل این بخش آغاز شد و ۴۶۶ کیلومتر بین اورومچی و آلاتاو، ساخته و پل دوم آسیا-اروپا، از ژوئن ۱۹۹۱ افتتاح شد. این راه‌آهن ۱۰۸۰۰ کیلومتر طول دارد که ۴۱۳۶ کیلومتر آن از چین و بقیه از آسیای مرکزی، روسیه، لهستان، آلمان، هلند و دیگر کشورها می‌گذرد. مزیت پل دوم آسیا-اروپا این است که مسیر آن ۱۱۱۲ کیلومتر کوتاهتر از پل اول آسیا-اروپا (راه‌آهن ماورای سبیری) است و از راه دریایی بندر «تین‌جین» (در جنوب چین) به بندر رت‌دام هم که ۲۱۸۴۰ کیلومتر طول دارد، در حدود ۶۰ درصد، کوتاهتر می‌باشد. زمان انتقال کالا از این راه، از سواحل اقیانوس آرام تا اروپا،  $\frac{1}{3}$  راه دریایی و هزینه حمل کالا نیز، بسته به نوع کالا،

از ۱۳ تا ۲۰ درصد کمتر از آن راه است.<sup>۱</sup>

گشایش پل دوم آسیا - اروپا در توسعه مناسبات اقتصادی چین و آسیای مرکزی و بهره‌برداری از امکانات و ظرفیتهای موجود، نقش اساسی داشته و در آینده، با نوسازی خطوط موجود راه‌آهن در ازبکستان و ترکمنستان و اتصال آن به شبکه راه‌آهن سراسری ایران در نقطه مرزی سرخس، تأثیر مهمی در برقراری مبادلات بازرگانی سریع و منظم بین شرق آسیا، آسیای مرکزی، آسیای غربی و اروپا خواهد داشت.

دولت چین در احداث شبکه راههای جدید دیگر و نوسازی جاده ابریشم کهن نیز تلاش گسترده به عمل آورده است. ترمیم جاده‌های اسفالت منتهی به نقاط مرزی با آسیای مرکزی، ادامه خط آهن از اورومچی به شهر «کورلا»<sup>۲</sup> و هدف ادامه آن تا شهر کاشغر (که احتمالاً تا سال ۱۹۹۶ تحقق خواهد یافت) و برنامه احداث بزرگراههای شمالی - جنوبی و شرقی - غربی کشور (جاده ابریشم جدید) که قرار است تا سال ۲۰۰۰ پایان یابد، از آن جمله است. سرمایه‌گذاری برای نوسازی خطوط آهن در مناطق شمال غربی منتهی به آسیای مرکزی تا سال ۱۹۹۵، در حدود یک میلیارد دلار برآورد شده است.<sup>۳</sup>

## ۵. بهره‌برداری از همکاری‌های محلی و بین‌المللی

چین در بعضی از زمینه‌ها که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیع نبوده، به تنهایی در آسیای مرکزی به فعالیت پرداخته و در برخی مقوله‌های سنگین‌تر، سرمایه‌گذاری مشترک را ترجیح داده است. در این سیاست، استفاده از همکاری‌های محلی و بین‌المللی، جایگاه ویژه دارد. نمونه سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای آسیای مرکزی، در طرحهای کوچک و متوسط مانند فروشگاههای کالاهای ساخت چین در آلماتا (قزاقستان) یا هتل «زیارت» در دره فرغانه (ازبکستان) و یا «مناطق آزاد اقتصادی مشترک» در مرزها، قابل مشاهده است. اما در طرحهای بسیار بزرگ که مستلزم سرمایه‌گذاری‌های سنگین برای بهره‌برداری از ظرفیتهای وسیعتر می‌باشد، چین از همکاری شرکت‌های چندملیتی استقبال می‌کند. نمونه‌ای از این امر قرارداد با شرکت ژاپنی «ماروبنی»<sup>۴</sup> برای احداث پالایشگاه نفت در بخارا (ازبکستان) است. شرکت ژاپنی،

۱. برای بررسی بیشتر ر.ک. به: لیوجیاجین (Liu Jiajin)، «تأثیر گشایش پل دوم آسیا-اروپا بر بازسازی مناطق شمال غربی چین، از جمله سین‌کیانگ، مجله اقتصادی، اجتماعی، آکادمی علوم اجتماعی سین‌کیانگ، شماره ۵ (۱۹۹۲)، صص ۴۷-۴۳. (به زبان چینی)

2. Korla

۳. شودن، کنفرانس یادشده.

4. Marubeni

سرمایه‌گذاری و بازاریابی را به‌عهده دارد و طرف چینی (شرکت دولتی نفت و گاز چین) در امور فنی و آموزش متخصصان همکاری خواهد کرد. نمونه دیگر، اظهارعلاقه چین به مشارکت در همکاری بین‌المللی برای احداث خط لوله ۶۰۰۰ کیلومتری انتقال نفت از ترکمنستان به سواحل اقیانوس آرام می‌باشد. این طرح را شرکت ژاپنی «میتسوبیشی»<sup>۱</sup> در نظر دارد.

### نتیجه

با پایان جنگ سرد، چین نیز همانند ایران، در ارتباط مستقیم با آسیای مرکزی درآمده است و به ظرفیتهای اقتصادی منطقه اهمیت بسیار می‌دهد. مهمترین جنبه‌های اقتصادی آسیای مرکزی برای چین عبارت است از منابع معدنی، ارتباط با خاورمیانه و جنوب آسیا و اروپا، بازارهای وسیع آن برای کالاهای مصرف چین.

دولت چین از اوایل دهه ۱۹۹۰ به تلاشی گسترده برای تقویت مناسبات اقتصادی با آسیای مرکزی پرداخته و در این راه با پیروی از سیاست «عمل‌گرایانه»<sup>۲</sup> به اجرای طرحهای متعدد، دست زده است. محاسبه کارشناسان چینی بر این پایه است که فقط فرصتی ۱۰ الی ۱۵ ساله برای بهره‌برداری از شرایط موجود جهانی به‌منظور تحکیم موقعیت آن کشور در پیرامون، وجود دارد.

### پیشنهاد

- تهیه استراتژی جامع برای همکاری در آسیای مرکزی ضرورت دارد. در تدوین این استراتژی باید علاوه بر ارزیابی ظرفیتهای و منابع آسیای مرکزی، امکانات استانیهای جنوبی و شرقی ایران و میزان مکمل بودن اقتصادهای آنها با اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی نیز مورد توجه باشد و جایگاه و نقش هر یک تعیین گردد.

- سرعت عمل در ایجاد امکانات زیربنایی (راهها، شبکه‌های مخابراتی، تسهیلات مرزی و غیره) ضرورت اساسی دارد. مخصوصاً در اتصال راه آهن ایران و ترکمنستان در ناحیه سرخس، بدون اینکه به کیفیت کار لطمه‌ای وارد آید، باید تسریع گردد.

- نظارت مستقیم دولت بر برخی از خدمات (به‌طور مثال، در حمل و نقل مسافران با اتوبوس از ترکمنستان به مشهد که اهمیت فرهنگی هم دارد و رانندگان تعاونی‌ها فاقد آموزش لازم برای رفتار مناسب در برابر آنها)، لااقل تا مدتی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

- تربیت و آموزش افراد متخصص برای کار در بخشهای مختلف اقتصادی و

فرهنگی در منطقه.

- توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌هایی از جمله، تهیه مجموعه قوانین و مقررات لازم برای بازرگانی و جلوگیری از جرمی چون عبور غیرقانونی از مرزها، حمل قاچاق و مبادله کالاهای نامرغوب توسط اشخاص و شرکتهای خصوصی، که موجب بی‌اعتباری می‌گردد، فوریت دارد.

- ایجاد محیط مبتنی بر تفاهم و درک متقابل، تلاش در جهت صلح و ثبات منطقه، حسن نیت واقعی در جهت شکوفایی زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تحقق استقلال اقتصادی مردم آسیای مرکزی به‌عنوان پایه و اساس استقلال واقعی سیاسی آنها، امری ضروری است.

- همکاری با کشورهای آسیای مرکزی و مناطق پیرامون، بویژه چین، روسیه، هند، پاکستان و ترکیه در جهت «ایجاد اعتماد»<sup>۱</sup>، در گسترش همکاری‌های اقتصادی در این منطقه نقش اساسی خواهد داشت.

